



قواعد میراث ذوی الأرحام در فقه حنفی

قواعد میراث ذوی الأرحام فی الفقه الحنفی

Rules of Inheritance of Relatives (Dhawi Al-Arham) in the Hanafi Jurisprudence

Hanefi Fikhında Zevi'l-erhâm Miras Kuralları

محمد عمر قاریزاده^۱

چکیده

میراث یکی از ابواب مهم فقه اسلامی بوده، مقاله حاضر توریث ذوی الأرحام را که خویشاوندان نسبی متوفی هستند مورد بحث و بررسی قرار داده است. هدف اساسی این تحقیق بیان احکام و قواعد میراث ذوی الارحام در فقه حنفی می باشد. علم میراث از جمله معتبرترین علوم شرعی بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است، دین مقدس اسلام به منظور حفظ حقوق بازماندگان بی چاره و بی سرپرست به علم فرائض و هم چنان نظام میراث جایگاه خاصی بخشیده و برای آن اهمیت زیاد داده است. بررسی و یافته های تحقیق حاضر با توجه به منابع فقه اسلامی بیان گر آن است که ذوی الارحام از جمله وارثین متوفی به شمار می رود، در قسمت کیفیت توریث آنان سه روش فقهی (اهل الرحم، اهل تنزیل و اهل قرابت) وجود دارد. مذهب احناف از طریقه اهل قرابت پیروی کرده و قواعد عصبات را بر ذوی الأرحام اجراء نموده است. قابل ذکر است در این تحقیق به مطالعه تحلیل و ارزیابی مطالب از روش توصیفی- تحلیلی و در گردآوری مطالب آن از روش کتابخانه ای بهره برده شده است. کلمات کلیدی: ذوی الارحام، سهام، قواعد، قرابت، مال، میراث.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2025.101>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

14.02.2024

تاریخ قبول / Accepted Date

14.04.2024

تاریخ نشر / Publication Date

07.01.2025

^۱ پوهنمل. عضو دیپارتمنت فقه و قانون پوهنهی شرعیات پوهنتون بلخ.

ORCID

[https://orcid.org/0000-0002-](https://orcid.org/0000-0002-5622-8114)

5622-8114

E-Mail

omarqarizada11@gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی تثبیت نگردید. This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism detected.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی Atif :

محمد عمر قاریزاده، "قواعد میراث ذوی الأرحام در فقه حنفی"، مجله دیوان ۱/۶ (ج۱، ۱۴۰۳)، ۲۳۵-۲۶۶.

الملخص

الميراث باب من أبواب الفقه الإسلامى المهمة، ومن هذا المنطلق يدرس و يناقش هذا البحث موضوع ميراث ذوى الأرحام من أقارب المتوفى. والهدف الأساسى لهذا البحث هو بيان أحكام وقواعد ميراث ذوى الأرحام فى الفقه الحنفى. يعتبر علم الميراث من أكثر العلوم الشرعية اعتناءً و دراسةً وله أهمية خاصة، و لأجل حماية حقوق العجزة واليتامى منح دين الإسلام الحنيف مكانة وأهمية خاصة لعلم الفرائض لاسيما موضوع الإرث منها. وأهم ما توصل إليه نتائج هذا البحث، أن ذوى الأرحام - حسب مصادر الفقه الإسلامى - يعتبر من ورثة المتوفى، فهناك ثلاث طرق فقهية فى نوعية ميراثهم (أهل الأرحام، أهل التنزيل أهل القرابة). وقد اتبع المذهب الحنفى منهج أهل القرابة، وطبق أحكام العصابات على ذوى الأرحام. ومن الجدير بالذكر أنه تم فى هذا البحث استخدام المنهج الوصفى التحليلى لدراسة تحليل المواد وتقييمها، كما تم استخدام المنهج المكتبى فى جمع المواد.

الكلمات المفتاحية: ذوى الأرحام، الأنصبة، القواعد، القرابة، المال، الميراث.

Abstract

Inheritance is one of the important aspects of Islamic jurisprudence, and this article discusses and examines the inheritance of blood relatives, who are the direct relatives of the late. The main goal of this research is to explain the decrees and rules of inheritance of relatives in Hanafi jurisprudence. The science of heritage is one of the most prestigious religious sciences and is of particular importance. The holy religion of Islam has given a special place and great importance to the science of obligatory duties and the inheritance system in order to protect the rights of helpless and uncared-for survivors. The study and findings of the present study, based on Islamic jurisprudence sources, indicate that the relatives of the deceased are considered heirs. There are three jurisprudential methods (those of the relatives of the deceased, those of descent, and those of kinship) regarding the quality of their inheritance. The Hanafi school of thought followed the path of the people of kinship and applied the rules of kinship to the people of the wombs. It is worth mentioning that in this research, the descriptive-analytical method was used to study, analyze, and evaluate the materials, and the library method was used to collect the materials.

Keywords: Relatives, Shares, Rules, Kinship, Property, Inheritance.

Özet

Miras, İslam fikhının önemli konularından biri olup; bu makalede, ölen şahsın nesebî akrabaları olan Zevi'l-erhâmın miras konusu ele alınmaktadır. Bu araştırmanın asıl hedefi Zevi'l-erhâmın miras kurallarını henevi fikhınca açıklamaya çalışmaktır. Miras ilmi şeri'i ilimlerin en önemlilerinden biri olarak İslami literatürde yerni almıştır. İslam dini arkada kalan düşkün ve barınaksızların hukukunu koruma altına almak için ferâiz ve miras ilminde bu konuya epeyce yer vermiş ve ona gereken önemi göstermiştir. İslam kukuku kaynaklarından elde edilen bu araştırmanın sonuçları Zevi'l-erhâmın ölünün mirasçılarında saymakta, bunların mirastan payı konusunda fıkhıta üç ayrı yöntem (Ehli'r-Rahm, Ehli't-Tenzil ve Ehli'k-Karabet) bulunmaktadır. Hanefi mezhebi Ehli'k-Karabet yöntemini esas alarak Zevi'l-erhâm konusunda asebe kurallarını işletmektedir. Bu araştırmada, içeriklerin analizi ve değerlendirmesi betimleyici-analitik yöntemle yapılmış ve bilgi toplama sürecinde kütüphane kaynaklarından faydalanılmıştır.

Anahtar Kelimeler: Zevi'l-erhâm, Hisse, Kurallar, Karabet, Mal, Miras.

مقدمه

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی محمد و علی آله و اصحابه اجمعین و بعد! میراث از جمله حقوق مالی انسان‌ها به‌شمار می‌رود و در دین مقدس اسلام احکام آن بیان گردیده، فقهای کرام به آن توجه نموده کیفیت آن را توضیح داده‌اند. در مقاله حاضر میراث ذوی الارحام یکی از صنوف وارثین را تشکیل می‌دهند و آن‌ها اشخاصی هستند که از جمله صاحب فرض و عصبه نبوده و در صورت عدم موجودیت آنان مستحق ارث می‌شوند، به بحث گرفته می‌شود.

احکام میراث ذوی الارحام نقش بارزی در تحقق عدالت دارد؛ زیرا با آشنایی این قواعد از یک طرف سبب می‌شود؛ تا اشخاص حقوق خود را نسبت به اموال مورث خویش بشناسند و از طرف دیگر زمینه اجرای عدالت اجتماعی را برای دست اندرکاران مسئولین بخش عدلی و قضایی آسان و فراهم می‌سازد.

موضوع میراث ذوی الارحام دارای ابعاد و زوایای مختلف بوده که در برگیرنده موضوعات؛ تعریف ذوی الارحام، شرایط ارث ذوی الارحام، اصناف ذوی الارحام و روش حل قضایای میراث ذوی الارحام را شامل می‌شود که هر کدام احکام و قواعد به‌خصوص خود را دارد و در این مقاله روی موضوعات متذکره به‌اساس نظر فقهای احناف بحث صورت می‌گیرد، در قسمت جمع‌آوری اطلاعات تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده صورت گرفته و در اخیر با ذکر نتیجه‌گیری و ثبت منابع موضوع خاتمه می‌یابد.

میراث از جمله حقوق مادی وارثین متوفی می‌باشد، فقهای اسلامی پیرامون شناخت و رسیدن به این حق مؤلفه‌هایی را ارائه کرده‌اند و کارساز واقع شده است؛ اما این منابع اکثراً به زبان عربی می‌باشد و برای همه مردم کشور، عام‌فهم نیست. هر چند تعداد از نوشته‌ها به زبان دری نیز وجود دارد؛ اما کافی نمی‌باشد؛ زیرا در این نوشته‌ها موضوع به‌طور اجمالی بیان شده است.

با توجه به نکات فوق، تحقیق حاضر در صدد بیان قواعد میراث ذوی الارحام در فقه حنفی به زبان دری کشور با عبارات روشن و عام‌فهم می‌باشد. هم‌چنان جهت فهم و درک بهتر مخاطبین پیرامون حل قضایای میراث ذوی الارحام از علم ریاضی استفاده شده و تمام قضایا به‌طور جداگانه روی جداول به بحث گرفته می‌شود.

تحقیق مقاله حاضر در صدد جواب به سؤالات ذیل می‌باشد: آیا در مذهب احناف ذوی الارحام از جمله اصناف وارثین به‌شمار می‌رود؟ دیدگاه مذهب فقهی احناف در مورد کیفیت و قواعد توریث ذوی الارحام چیست؟ آیا فقهای احناف پیرامون قواعد ارث ذوی الارحام اتفاق نظر دارند؟

هدف اصلی و اساسی مقاله تحقیقی حاضر را به طور مختصر چنین بیان می‌کنیم: واضح ساختن و بیان روش فقهی مذهب احناف پیرامون کیفیت و قواعد میراث ذوی الأرحام، اطلاع رسانی برای مسئولین بخش عدلی و قضایی کشور، محصلین و عامه مردم به احکام اسلامی در زمینه قواعد توریث ذوی الأرحام در این مذهب می‌باشد.

تحقیق در هر بخش از علوم با در نظر داشت موضوع آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد، میراث ذوی الأرحام که از جمله حقوق اقتصادی- مالی انسان‌ها می‌باشد، یکی از مغلق‌ترین شاخه‌های حقوق مدنی و ابواب مهم فقه اسلامی به‌شمار می‌رود و به‌عنوان یکی از راه‌های مشروع اسباب کسب ملکیت تام در دین مقدس اسلام شناخته شده، از اهمیت و ارزشمندی خاصی برخوردار است؛ اما راجع به آن در حلقه‌های علمی کمتر صحبت می‌شود، لذا نویسنده تلاش نموده که مقاله را پیرامون قواعد میراث ذوی الأرحام در فقه حنفی آماده و احکام آنرا با در نظر داشت جزئیاتش در روشنایی فقه اسلامی به تصویر کشیده و مورد بررسی قرار دهد.

در قسمت پیشینه تحقیق موضوع می‌توان گفت که؛ احکام میراث یکی از موضوعات مهم حقوق مدنی اسلام به‌شمار می‌رود، در قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم پیرامون موضوع، احکامی وارد شده است. فقهای کرام نیز در رابطه به اصولی که وجود دارد نظریات خود را بیان داشته‌اند. بنابراین، تا جایی که جست‌وجو شده، حسب معلومات پیرامون موضوع نوشته‌های در داخل کشور به زبان‌های ملی صورت گرفته که هر کدام به نوبه خود دارای مفیدیت بوده؛ اما نوشته‌های بشری عاری از ابهامات و مشکلات نمی‌باشد که در ذیل به تعدادی از آن نوشته‌ها اشاره می‌شود:

۱. حقوق میراث در شریعت اسلامی و قانون مدنی افغانستان، پوهاند داد محمد نذیر (۱۳۹۰ ه.ش)، کتاب جامع و مفید است که در برگیرنده مباحث فقهی و قانونی می‌باشد؛ اما در این کتاب راجع به ارث ذوی الأرحام به گونه اجمالی اشاره شده که نیازمند توضیحات بیشتر است.
 ۲. احکام میراث از نگاه فقه و قانون، پوهاند عبدالعزیز (۱۳۹۰ ه.ش)، این کتاب بحث فقهی را تمرکز بخشیده و در برگیرنده مواد قانون و در بخش میراث نیز مفید بوده؛ اما در این کتاب در بخش ارث صنف چهارم ذوی الأرحام توضیحات کمتر داده شده است.
- با توجه به گفته‌های فوق اثر و تألیفاتی که در ارتباط به میراث ذوی الأرحام از طرف محققین صورت گرفته، هرکدام دارای ارزش و اهمیت خاص است؛ اما در پهلوی آن مواردی در آن نوشته‌ها دیده می‌شود، قابل توجه بوده و نیازمند تحقیق بیشتر است. فلذا تحقیق حاضر در صدد توضیحات و تفصیل بیشتر قواعد میراث ذوی الأرحام به‌اساس مذهب حنفی است، از خصوصیات کار این تحقیق نسبت به نوشته‌های پیشین که آنرا مجزا می‌سازد این است که؛ در

ابتدای بحث قواعد به عبارات روشن بیان گردیده سپس با استفاده از علم ریاضی، امثله‌های تطبیقی موضوع از نظر فقه‌های احناف در ضمن جداول توضیح داده می‌شود. بدین لحاظ تحقیق حاضر حایز اهمیت است و تکرار کارهای سابق محسوب نمی‌شود؛ بلکه به گسترش و توسعه‌ای این مبحث می‌انجامد.

مقاله حاضر از نظر جمع آوری اطلاعات در زمینه موضوع مورد تحقیق، از روش کتابخانه استفاده صورت گرفته و عمدتاً از مصادر اساسی اسلام؛ قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم کتاب‌های معتبر فقهی قدیم و جدید، استفاده شده است.

ساختار کلی و مباحث اصلی تحقیق حاضر شامل موضوعات ذیل می‌باشد؛ تعریف ذوی الارحام، شرایط ارث ذوی الارحام، اصناف ذوی الارحام، قواعد توریث ذوی الارحام به اساس طرق سه گانه (اهل الرحم، اهل تنزیل و اهل قرابت) و در اخیر با ذکر نتیجه‌گیری و ثبت منابع موضوع خاتمه می‌یابد.

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی قواعد

قواعد در لغت، جمع قاعده است و قاعده به معنای اصل و اساس و پایه چیز آمده است.^۱ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۲ و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند (و می گفتند) پروردگارا! از ما بپذیر تو شنوا و دانایی.

قاعده در اصطلاح، عبارت از قضیه کلی که در برگیرنده تمام جزئیات خود باشد.^۳ از دیدگاه دیگر؛ اصل کلی است که منطبق بر جزئیاتش باشد؛ تا بدان احکام جزئیات شناخته شود.^۴

۲. تعریف لغوی و اصطلاحی میراث

میراث در لغت، واژه میراث بر وزن مفعال مصدر بوده و از ریشه فعل وَرَثَ گرفته شده است. یاء آن در اصل واو بوده که به یاء تبدیل گردیده است و یا هم از موروث بر وزن مفعول اشتقاق شده است؛ بنابراین کلمه میراث لغتاً به دو مورد اطلاق می‌گردد؛ یکی به معنای مصدر و دیگری به معنای مفعول.^۵ لفظ میراث به اعتبار مصدری دو معنی دارد:

^۱ أبو الحسن أحمد بن فارس بن زکریا ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، المحقق. عبد السلام محمد هارون (بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ هـ.ش)، ۱۰۹/۵.

^۲ ترجمه قرآن کریم، مترجم. بهاء الدین خرمشاهی (بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۰۲)؛ البقره ۱۲۷/۲.

^۳ علی بن محمد بن علی الجرجانی، کتاب التعریفات (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۳ م)، ۱۷۱.

^۴ سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی، شرح التلویح علی التوضیح (مصر: مکتبة صبیح، بی تا)، ۲۰/۱.

^۵ مجدد الدین فیروز آبادی، القاموس المحيط (القاهرة: مطبعة المصرية، ۱۹۳۳ م)، ۳۷۱/۱.

۱) بقاء: یعنی باقی بودن چیزی در دست مالکش.
 ۲) انتقال یک چیز (حسی باشد و یا معنوی) از یک شخص به شخص دیگری بعد از مرگ؛ یا از یک قبیله به قبیله دیگر.
 اما میراث به معنای اسم مفعول، به ترکیه‌ای که شخص متوفی بعد از خود به جا می‌گذارد گفته می‌شود. و هم‌چنان تراث نیز نامیده می‌شود.^۶
 میراث در اصطلاح، عبارت از دانستن اصول و قواعدی از فقه و ریاضی است که به وسیله آن‌ها حق هر وارث از ترکیه میت شناخته می‌شود. به عبارت دیگر: علم میراث عبارت است از آگاهی به احکام متعلق به موارث و هم‌چنین آگاهی از علم حساب به اندازه‌ای که در این علم مورد نیاز است.^۷

۳. تعریف لغوی و اصطلاحی ذوی الأرحام

ذوی در لغت، ذوی جمع (ذو) از ملحقات جمع مذکر سالم بوده به معنای صاحب، دارنده و در عربی در حالت رفع (ذو) و در حالت جر (ذی) و در حالت نصب (ذا) می‌باشد.^۸
 ارحام در لغت، جمع رحم است و رحم در اصل، محل تکون و تشکل جنین است.^۹ چنان‌چه خداوند جل‌جلاله در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾.^{۱۰} او ست که شما را در رحم‌های (مادران) هر آن‌گونه که بخواهد شکل می‌دهد.
 ذوی الأرحام در اصطلاح فقهی، عبارت از هر یک قریب و رشته‌داری است که صاحب فرض و عصبه نبوده، در موجودیت ذوی الفروض و عصبات میراث نمی‌برند؛ مگر همراهی یکی از زوجین.^{۱۱}

۴. اصناف ذوی الأرحام

ذوی الأرحام به چهار صنف آتی تقسیم می‌شوند:
 صنف اول: ذوی الأرحام این صنف شامل کسانی اند که به میت منسوب می‌شوند و صاحب فرض و عصبه نمی‌باشند و شامل دو طایفه است:

^۶ سعدی ابو حسیب، القاموس الفقهی لغة واصطلاحاً (سوریه: دارالفکر، ۱۹۸۸ م)، ۳۷۷.

^۷ وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية (کویت: دار السلاسل، ۱۴۲۷ هـ.ق)، ۱۷/۳.

^۸ محمد معین، فرهنگ معین (تهران: کیهان، ۱۳۸۱ هـ.ش)، ۴/۴۷۳.

^۹ معین، فرهنگ معین، ۱۳۱/۱.

^{۱۰} آل عمران ۶/۳.

^{۱۱} محمد امین بن عمر ابن عابدین، رد المحتار (بیروت: دارلفکر، ۱۹۹۲ م)، ۷/۳۸۷.

۱. اولاد دختر میت اگر چه به درجه پایین باشد. خواه مذکر باشند یا مؤنث. مانند: پسر دختر و یا دختر دختر و اولاد آنها.
۲. اولاد دختر پسر میت مانند: دختر دختر پسر و پسر دختر پسر.
- صنف دوم: اشخاصی هستند که میت به آنها منسوب می‌گردند و دو طایفه هستند.
 ۱. اجداد فاسد، در اصطلاح علمای میراث جدی است که انتساب او به میت توسط مؤنث صورت گیرد؛ مانند: پدر مادر، پدر پدر مادر و یا پدر مادر پدر.^{۱۲}
 ۲. جدات فاسده، آنها عبارت از جدۀ است که انتساب او به میت توسط جد ساقط صورت گرفته باشد؛ یا به عبارت دیگر: عبارت از جدۀ است که در نسبت او به میت جد رحمی داخل شود؛ مانند: مادر پدر مادر و مادر پدر مادر پدر.^{۱۳}
- صنف سوم: کسانی اند که به پدر و مادر میت منسوب می‌گردند و شامل سه طایفه می‌باشند:
 ۱. اولاد خواهران مطلق (اعیانی - علاتی - اخیافی) اگر چه به درجه پایین باشند؛ مانند: دختر خواهر، پسر خواهر، پسر دختر خواهر، دختر پسر خواهر گرچه درجه شان نزول نماید.
 ۲. دختران برادر اعیانی و علاتی و اولاد آنها مانند: دختر برادر اعیانی یا علاتی، دختر دختر برادر اعیانی یا علاتی.
 ۳. اولاد برادران مادری مانند: پسر برادر مادری، دختر پسر برادری مادری.
- صنف چهارم: کسانی اند که توسط یکی از اجداد یا جدات میت که ذوی الفروض یا عصبه نباشند خواه اجداد یا جدات قریب باشند یا بعید، منسوب می‌شوند.
 ۱. کاکاهای مادری، عمه‌ها از هر جهت که باشند (اعیانی - علاتی - اخیافی)، ماماها و خاله‌ها مطلق (اعیانی - علاتی - اخیافی).
 ۲. اولاد طایفه‌های فوق اگر چه تنزیل درجه نمایند و دختران کاکاهای اعیانی یا علاتی میت و دختران پسران این‌ها اگر چه درجه شان تنزیل نماید و اولاد شان.^{۱۴}

۵. شروط ارث ذوی الأرحام

ذوی الأرحام در صورت موجودیت دو شرط زیر مستحق میراث می‌شوند:

۱. در صورت نبودن تمام عصبات.

^{۱۲} محمد بن أحمد سرخسی، المبسوط (بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۴ هـ.ق)، ۲۴/۳۰.

^{۱۳} سرخسی، المبسوط، ۱۶۷/۲۹۱.

^{۱۴} عبد الله بن محمود الموصلي، الاختيار لتعليل المختار (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۵۶ هـ.ق)، ۱۰۶/۵؛ عبدالعزیز

عزیز، احکام میراث از نگاه فقه و قانون (کابل: انتشارات سعید، ۱۳۹۰ هـ.ش)، ۱۹۰.

۲. در صورت نبودن تمام اصحاب فرائض به جز زوجین (در صورت وجود زن و شوهر ذوی الأرحام ارث می‌برند).

دلیل شرطین: این روایت حضرت عایشه رضی الله عنها است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«الْحَالُ وَارِثٌ مَنْ لَأَ وَارِثٌ لَهُ»**.^{۱۵} *ماما وارثی کسی است که دیگر وارث ندارد.* وجه استدلال در این حدیث ارث ماما بعد از انعدام وارث (ذوی الفروض و عصبات) گردانیده شده است، وجود زن و شوهر در ارث ذوی الأرحام کدام تأثیری نمی‌گذارد، چون بالای زن و شوهر رد صورت نمی‌گیرد.^{۱۶}

۶. کیفیت توریث اصناف ذوی الأرحام

گروهی که معتقد به ارث بردن ذوی الارحام هستند، بر دو امر توافق کرده در بقیه امور باهم اختلاف دارند، بالترتیب هر یک را بیان خواهیم کرد که آن دو امری که اتفاقی می‌باشند قرار ذیل است:

۱. اگر تنها یک فرد از ذوی الارحام وجود داشته باشد، تمام اموال را به ارث می‌برد، مثل کسی که بمیرد و پسر دختر یا عمه و یا ماما از او به جای مانده باشد، تمام اموال را به ارث می‌برد.
۲. اگر یکی از ذوی الارحام همراه یکی از زن و شوهر (زوجین) وجود داشته باشد، بعد از سهم زن و شوهر باقی مانده ترکه را می‌گیرد.

۷. قواعد توریث ذوی الأرحام

در مورد قواعد توریث ذوی الأرحام سه مذهب مشهور فقهی وجود دارد که در ذیل به طور اختصار به طریقه اهل رحم و اهل تنزیل اشاره نموده و طریقه اهل قرابت که روش فقهی احناف و محور اصلی بحث می‌باشد شرح و توضیح می‌دهیم.

۱.۷. طریقه اهل رحم (مذهب التسویه)

این گروه تمامی ذوی الأرحام را در گرفتن ارث مساوی می‌دانند و فرقی میان مذکر و مؤنث یا نزدیک و دور نمی‌بینند، چون علت ارث همان رحم است، پس همگی وارثان از این طریق ارث می‌برند و کسی از آنها کسی را حجب نمی‌کند و سهم هیچ یک از آنها به واسطه دیگری کاهش نمی‌یابد.

دلیل پیروان این طریقه عام بودن نصوصی است که در مورد ذوی الارحام وجود دارد به طوری که مذکر را بر مؤنث و نزدیک را بر دور ترجیح نداده است.

^{۱۵} محمد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۷۵ م)، «الفرائض»، ۱۲ (۲۱۰۴).

^{۱۶} السرخسی، المبسوط، ۱۹۳/۲۹.

این نظر مشهور نیست؛ بلکه مهجور و متروک است چون دلایلش ضعیف و مخالفت با آن مقتضی عدالت است و جز دو نفر که حسن بن میسر و نوح بن ذراح می‌باشند کسی دیگری از این نظر پیروی نکرده اند.^{۱۷}

پس اگر شخصی بمیرد وارث او دختر دختر، پسر دختر، پسر خواهر، عمه، خاله، برادر زاده مادری و مادر پدر مادر باشند در این صورت هر کدام سبع یا هفت یک (۱/۷) ترکه را مستحق می‌گردند که ارث دختر دختر و پسر دختر با عمه و خاله و برادر زاده مادری و مادر پدر مادر بماند همه یکسان سهم می‌برند. لذا این طریقه از نظر عدم توافق آن با اساسات میراث و عدم موجودیت اتباع آن اکنون نزد علماء میراث مهجور قرار گرفته است.^{۱۸}

۲.۷. طریقه اهل تنزیل

قائلین و اهل این طریقه عبارت اند از: علقمه، حسن بن زیاد و علمای مذاهب سه گانه اهل سنت مالکی^{۱۹} شافعی^{۲۰} و حنبلی^{۲۱}.

اهل این طریقه، فروع شان به منزله اصول شان که از جمله ذوی الفروض یا عصبات باشند، میراث می‌برند. پس حصه و سهم اصول برای فروع فرض کرده می‌شود؛ یعنی چنانچه که آنان زنده می‌بودند، چه مقدار از ترکه را مستحق می‌شدند در صورت ممات نیز برای شان همان مقدار فرض کرده می‌شود و بعداً سهم هر یک به فروع همان شخص که از جمله ذوی الأرحام می‌باشند؛ اگر یک نفر باشد تمام ترکه و اگر زیاده از آن باشد براساس قاعده «لذکر مثل حظ الانثیین» برای مذکر دو حصه و برای مؤنث یک حصه داده می‌شود، پس مطابق قاعده تنزیل ولد دختر به منزله دختر، ولد برادر به منزله برادر و ولد کاکا به منزله کاکا گردانیده می‌شود.^{۲۲}

مثلاً شخصی وفات کرد، وارث او دختر دختر، دختر برادر و دختر کاکا باشد در این صورت، این مسأله چنین فرض می‌شود که گویی شخص وفات کرده وارث او دختر، برادر و کاکا باشد، مال بین دختر و برادر تقسیم کرده می‌شود و برای کاکا هیچ سهمی داده نمی‌شود؛ زیرا که برادر

^{۱۷} زحیلی و هبه، الفقه الاسلامی وادلته (سوریه- دمشق: دارالفکر، بی تا)، ۴۹۷/۱۰.

^{۱۸} السرخسی، المبسوط، ۴/۳۰؛ داد محمد نذیر، حقوق میراث در شریعت اسلامی وقانون مدنی افغانستان (کابل: حامد رسالت، ۱۳۹۰ هـ.ش)، ۱۵۳.

^{۱۹} محمد بن أحمد الدسوقی، الشرح الکبیر للشیخ أحمد الدردیر علی مختصر خلیل (بیروت: دار الفکر، بی تا)، ۲۰/۷۲.

^{۲۰} شمس الدین محمد بن أبی العباس رملی، نهاییة المحتاج إلی شرح المنهاج (بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ هـ.ق/ ۱۹۸۴ م)، ۱۹/۶.

^{۲۱} عبدالله بن احمد ابن قدامه، المغنی لابن قدامة (القاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۹۸۶ م)، ۳۱۹/۶.

^{۲۲} أبو الحسن علی بن محمد ماوردی، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المنزی (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۴ م). ۱۷۴/۸.

میت اولی به میراث است نسبت به کاکا. پس در این مثال نصف (۱/۲) ترکه به دختر دختر که سهم فرضی مادرش می‌باشد و نصف (۱/۲) باقی‌مانده که سهم عصوبتی پدرش می‌باشد داده می‌شود.^{۲۳}

۱.۲.۷. دلایل این طریقه

۱. از کاکای ابن حبان (واسع بن حبان) روایت شده که وی فرمود: «تَوَفِّي ثَابِتُ بْنُ الدَّحْدَاحَةِ وَلَمْ يَدَعْ وَارثًا وَلَا عَصَبَةً، فَرَفَعَ شَأْنَهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَسَأَلَ عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَصِمَ بِنُ عَدِي: «هَلْ تَرَكَ مِنْ أَحَدٍ؟» قَالَ: مَا - يَا رَسُولَ اللَّهِ - تَرَكَ أَحَدًا. فَدَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَالَهُ إِلَى ابْنِ أُخْتِهِ أَبِي لُبَابَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْدَرِ». ^{۲۴} ثابت بن دحداحه وفات کرد و جز یک دختر وارثی دیگری (ذوی الفروض یا عصبه ای) از او به جا نماند. پس این مسأله به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسانده شد و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد از عاصم بن عدی رضی الله عنه پرسید که آیا کسی (وارثی) را از خود به جا گذاشته؟ عاصم گفت: نه فقط یک نفر را از خود به جا گذاشته است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم مال او را برای پسر خواهرش که ابی لبابه بن مندر بود داد.

حدیث فوق بیان‌گر این است در صورت نبودن وارثان که نسبت به ذوی الأرحام در حق اولویت ترکه متوفی قرار دارند به جای آن‌ها ذوی الأرحام مستحق ارث می‌شوند.

۲. روایت شده که عمر بن خطاب به خاله و عمه مطابق این قاعده ارث داده است؛ یعنی به خاله که به منزله مادر است ثلث (۱/۳) ترکه و به عمه که به منزله پدر است باقی‌مانده ارث را داده است.^{۲۵}

۳.۷. طریقه اهل قرابت

طرفداران این نظر حضرت علی، حضرت عبدالله بن مسعود و حضرت بن عباس رضی الله عنهم و مذهب فقهی احناف هستند و در مستحق دانستن ذوی الأرحام از میراث یا ترکه میت تکیه بر قرابت و قوت قرابت دارند به همین دلیل اهل قرابت نامیده شده اند، اهل این طریقه در ابتداء قرابت و قوت قرابت را اساس ترجیح بعضی از ذوی الأرحام بر بعضی دیگر قرار داده، در توریث ذوی الأرحام به صفت عموم اساساتی را مدار تطبیق قرار می‌دهند که در توریث عصبات نسبی مورد تطبیق قرار می‌گرفت.^{۲۶} و به ادله ذیل تمسک می‌جویند:

^{۲۳} بن قدامة، المغنی لابن قدامة، ۳۱۹/۶.

^{۲۴} سعید بن منصور جوزجانی، سنن سعید بن منصور (دهلی: دار السلفیه، ۱۴۰ هـ.ش - ۱۹۸۲ م.)، ۹۰/۱.

^{۲۵} ابن قدامة، المغنی لابن قدامة، ۳۱۷/۶.

^{۲۶} السرخسی، المبسوط، ۲/۳۰.

۱. استحقاق ذوی الأرحام به اعتبار معنی عصبوت می‌باشد؛ با این فرقی که اگر مذکر باشند، عصبه حقیقی اند و اگر واسطه‌ای مؤنثی بین میت و وارثین وجود داشته باشد، در این صورت به نام عصبه حکمی یا ذوی الأرحام یاد می‌شوند و همان قواعد عصبات برایشان قابل اجراء می‌گردد.^{۲۷}

۲. در سنن دارمی به لفظ ذیل از ابو نعیم از یونس از عامر روایت شده که وی فرمود: *إِنزَلُ الْعُمَّةَ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ إِذَا لَمْ يَكُنْ أَبٌ، وَالْخَالََةَ بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ إِذَا لَمْ تَكُنْ أُمًّا*.^{۲۸} عمه به منزله پدر است وقتی که پدر در میان آنها نباشد و خاله به منزله مادر است وقتی که مادر میان آنها نباشد.

۳. هم چنان شعبی از حضرت علی رضی الله عنه روایت می‌کند: «شخصی وفات کرده بود و وارث او دختر دختر و دختر خواهر بود، قضاوت نمود که تمام مال از آن دختر دختر می‌باشد، پس این امر دلالت می‌کند که حضرت علی رضی الله عنه ترجیح بین ذوی الأرحام را به قوت قرابت دانسته است».^{۲۹}

با توجه به طرق سه‌گانه فوق و دلایل که به آن در اثبات کیفیت میراث ذوی الأرحام بحث صورت گرفت، نظر انداخته شود طریقه اهل قرابه از نظر وضاحت و سهولت در تطبیق راجح به نظر می‌رسد، در ذیل به تفصیل و بیان قواعد میراث ذوی الأرحام مطابق نظر اهل قرابت می‌پردازیم.

۹. بیان قواعد توریث ذوی الأرحام از نظر اهل قرابت (روش احناف)

در مذهب احناف ذوی الأرحام به اساس قواعد ذیل مستحق میراث می‌باشند:

۱. در صورت تنها بودن ذو رحم تمام مال را می‌گیرد از هر صنفی که باشد خواه مرد باشد یا زن.
۲. اگر از ذوی الأرحام اصناف متعددی موجود بودند، صنف اول بر صنف دوم، صنف دوم بر صنف سوم و صنف سوم بر صنف چهارم ارجحیت دارند. مانند ترتیب عصبات که این ترتیب را به نام تقدیم بالجهت یاد می‌کنند.
۳. اگر وارثین از ذوی الأرحام و تمامی آنان از یک صنف باشند در این صورت به حسب قواعد ذیل میراث می‌برند.^{۳۰}

۱.۳. قواعد توریث صنف اول

صنف اول ذوی الأرحام طوری که قبلاً ذکر گردید شامل اولاد دختران و اولاد دختران پسر میت اگر چه به درجه پایین‌تر باشد است.

^{۲۷} السرخسی، المبسوط، ۵/۳۰.

^{۲۸} عبدالله بن عبدالرحمن لدارمی، سنن الدارمی (بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ.ق)، "الفرائض"، (۳۱۰).

^{۲۹} ابن قدامة، المعنی لابن قدامة، ۱۹/۶.

^{۳۰} ابن عابدین، رد المختار علی الدر المختار، ۷/۷۹۲.

بنابراین هرگاه در ورثه یک نفر از آنها خواه مذکر باشد؛ یا مؤنث موجود شود کل ترکه و یا باقی مانده را بعد از سهم یکی از زوجین به میراث می‌برند و اگر تعداد آنها بیشتر از یک نفر باشد در تشخیص وارث مستحق و ترجیح یکی بر دیگری مراتب زیر در نظر گرفته می‌شود:

۱.۱.۳. تقدیم از لحاظ درجه

در صورت تعدد وارثین این صنف و موجودیت تفاوت در درجه انتساب آنها به میت کسانی مستحق میراث می‌شوند که درجه شان به میت نزدیک باشد، مثلاً شخصی وفات کرد و وارث او پسر دختر و پسر دختر پسر باشد، در این مثال تمام مال را پسر دختر مستحق می‌شود، زیرا درجه او به میت از پسر دختر پسر نزدیک‌تر است.^{۳۱}

اصل مسأله	۱
وارثین	دختر دختر
سهم	دختر پسر پسر (محروم) ۱

۲.۱.۳. تقدیم از لحاظ منسوبیت به ولد وارث بودن

در صورت تعدد وارثین این صنف و عدم موجودیت تفاوت در درجه انتساب آنها کسانی مستحق میراث می‌شوند که توسط ذوی الفروض یا عصبه به میت منسوب گردد، و وارثی که توسط ذوی الأرحام به میت می‌رسد محجوب می‌گردد. مثال شخصی وفات کرد و وارث او دختر دختر پسر و پسر دختر دختر باشد، در این مثال کل مال را دختر دختر پسر مستحق می‌گردد و برای پسر دختر دختر چیزی داده نمی‌شود؛ زیرا دختر دختر پسر، دختر صاحب فرض که حصه‌اش سدس (۱/۶) است، لذا مقدم می‌باشد.^{۳۲}

اصل مسأله	۱
وارثین	بطن ۱- پسر..... دختر
سهم	بطن ۲- دختر..... دختر بطن ۳- دختر..... پسر ۱ (محروم)

^{۳۱} زین الدین ابن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق (بیروت: دار المعرفه، بی تا)، ۵۷۸/۸؛ عزیز، احکام میراث از نگاه فقه و قانون، ۱۹۷.

^{۳۲} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۷۹۳/۶.

۳.۱.۳. در صورت تعدد وارثین این صنف و تساوی آن‌ها درجه و انتساب به میت (همه توسط وارث یا ذوی الارحام به میت می‌رسید) با در نظر داشت صفت ذکورت و انوثة ارث می‌برند، طوری که برای مذکر دو چند مؤنث سهم داده می‌شود و هیچ توجه به اصول آن‌ها که مذکر است یا مؤنث؛ یا مختلف نمی‌شود و تعدد فروع بر اصل نیز اعتبار ندارد. و این رأی ابو یوسف رحمه الله است.^{۳۳}

مثلاً شخصی وفات کرد و وارث او پسر دختر دختر و دختر پسر دختر باشد در این صورت میراث بین شان اثلاثاً تقسیم می‌گردد که ثلثان (۲/۳) آن را پسر دختر دختر مستحق گردیده و ثلث (۱/۳) آن را دختر پسر دختر مستحق می‌گردد، چون هر دوی شان در درجه و ادلاء توسط ذوی الفروض به میت در یک درجه قرار دارند.^{۳۴}

اصل مسأله	۳
وارثین	بطن ۱- دختر.....دختر
	بطن ۲- پسر.....دختر
سهم	بطن ۳- دختر.....پسر
	۱
	۲

اما در نزد امام محمد رحمه الله مال بر اولین درجه که اختلاف به ذکورت و انوثة واقع شده، تقسیم کرده می‌شود و هر آن چه را اصل مستحق می‌شد آن را برای فرع داده می‌شود، در صورتی که بعد از آن اختلاف واقع نشده باشد. مانند مثال اولی (پسر دختر دختر و دختر پسر دختر) در این صورت برای پسر دختر دختر، یک سهم داده می‌شود که آن سهم مادرش می‌باشد و برای دختر پسر دختر دو سهم داده می‌شود که آن سهم پدرش می‌باشد. اگر اختلاف به اولاد های این ها واقع شود نیز به همین اساس تقسیم می‌گردد.^{۳۵}

اصل مسأله	۳

^{۳۳} عبدالناصر دامنی، میراث به زبان ساده با حل کلیه مسائل کتاب سراجی (تهران: احسان، ۱۳۹۰ ه.ش)، ۱۱۸/۲.

^{۳۴} ابن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۵۷۸/۸.

^{۳۵} الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ۱۰۷/۵.

وارثین	بطن ۱- دختر.....دختر
	بطن ۲- پسر.....دختر
	بطن ۳- دختر.....پسر
سهام	۱

۲.۳. قواعد توریث صنف دوم ذوی الأرحام

این صنف مشتمل بر پدرکلانها و مادرکلانها غیر صحیحه یا فاسده می باشد و قواعد توریث این صنف از ذوی الأرحام در استحقاق به تعدد جهت یا اختلاف جانب مانند قواعد صنف اول می باشد، در صورتی که یک نفر باشد، تمام ارث را می گیرد و در صورت تعدد آنها مراتب ذیل در نظر گرفته می شود:

۲.۳.۱. تقدیم از لحاظ درجه

در صورت تعدد وارثین این صنف و تفاوت آنها در درجه انتساب به متوفی شخص نزدیک ارث می برد و آن که دورتر است محجوب می گردد؛ مثلاً شخصی وفات کرد و وارث او پدر پدر مادر و پدر مادر مادر باشد، در این مثال تمام مال را پدر پدر مادر مستحق می شود؛ زیرا درجه او به میت از پدر مادر پدر نزدیک تر است.^{۳۶}

اصل مسأله	۱
وارثین	پدر . پدر مادر
سهام	تمام تریکه ۱
	پدر مادر مادر مادر ۲

۲.۳.۲. تقدیم به اعتبار قوت قرابت

در صورت تعدد وارثین این صنف و تساوی درجه آنها دو قول وجود دارد، قول اول، نزد ابی سهل الفرائض، در این مرحله کسانی مستحق میراث دانسته می شوند که توسط ذوی الفروض یا عصبه به میت منسوب گردند، هر چند که درجه شان مساوی باشد؛ یعنی کسی که توسط ذوی الفروض یا عصبه به میت منسوب گردد، از شخصی که توسط ذوی الأرحام به میت منسوب گردند مقدم می باشد.^{۳۷} مثال: شخصی وفات کرد و وارث او پدر مادر مادر و پدر پدر مادر باشد، در این مثال کل مال را پدر مادر مادر مستحق می گردد؛ زیرا او توسط مادر مادر که صاحب فرض است، به

^{۳۶} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۵۷۹/۸.

^{۳۷} الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ۱۰۸/۵.

میت منسوب گردیده، لذا مقدم می‌باشد و پدر پدر مادر از میراث محروم می‌گردد، چون شخصی که توسط او به میت منسوب گردیده (پدر مادر) از جمله ذوی الأرحام است.^{۳۸}

۱	اصل مسأله
$\frac{\text{پدر پدر مادر}}{۲}$ <p>.....</p>	$\frac{\text{پدر ، مادر مادر}}{\text{تمام ترکه}} = ۱$ <p>وارثین سهام</p>

قول دوم، نزد ابی سلیمان الجرجانی در صورت تعدد وارثین این صنف و تساوی آن‌ها در درجه، در این مرحله همه مستحق میراث دانسته می‌شوند؛ یعنی کسی که توسط ذوی الفروض یا عصبه به میت منسوب گردد، از شخصی که توسط ذوی الأرحام به میت منسوب گردند، مقدم نمی‌باشد و به جهت پدری دو حصه و به جهت مادری یک حصه میراث داده می‌شود؛ مانند: شخصی وفات کرد و وارث او پدر مادر پدر و پدر پدر مادر باشد، در این مثال دو حصه برای پدر مادر پدر و برای پدر پدر مادر یک حصه داده می‌شود.^{۳۹}

۳	اصل مسأله
$\frac{\text{پدر پدرمادر}}{۱}$	$\frac{\text{پدر مادر پدر}}{۲}$ <p>وارثین سهام</p>

۳.۲.۳. در صورت تعدد ذوی الأرحام این صنف و تساوی آن‌ها در درجه انتساب و قوت قرابت طوری که تمام آن‌ها توسط صاحب فرض یا ذوی الأرحام به میت منسوب گردیده باشند و اتحاد جهت (مثلاً همه از جهت پدر باشند یا از جهت مادر) مشترکاً مستحق میراث شناخته می‌شوند، و ترکه در میان آن‌ها طور مساوی (اگر هر دو از یک جنس باشد) تقسیم می‌شود و اگر یکی مذکر و دیگری مؤنث بود برای مذکر دوچند مؤنث سهم داده می‌شود.^{۴۰} مثلاً: پدر مادر پدر پدر و پدر مادر پدر که در درجه مساوی انتساب به میت قرار داشته و توسط صاحب فرض به میت

^{۳۸} سراج الدین بن عبدالرشید، سجاوندی، السراجی فی المیراث (کویت: مکتبه قاسمیه، ۱۳۵۳ ه.ش)، ۴۲.

^{۳۹} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۵۸۰/۸.

^{۴۰} سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۲.

منسوب گردیده و جهات‌شان یکسان بوده و در صفت ذکوریت با هم اتحاد دارند، ترکیه میت را مساویانه مستحق می‌شوند.

اصل مسأله	۲
وارثین سهام	پدر مادر پدر پدر ۱

۴.۲.۳. اگر اختلافی در جهت قرابت بین آن‌ها موجود باشد، به این معنا که بعضی آن‌ها از جهت پدر و بعضی دیگر از جهت مادر با میت قرابت داشته باشد، اقارب پدری دو چند اقارب جهت مادری میراث گرفته و آنرا هر فریق بین افراد خود در صورت تعدد و عدم اتحاد در صفت ذکوریت و انوشت طوری تقسیم می‌نمایند که دو حصه آنرا مذکر و یک حصه آنرا مؤنث مستحق می‌شود.^{۴۱}

اصل مسأله	۳
وارثین سهام	پدر ، مادر مادر ۱ سهم پدر ، مادر پدر ۲ سهم

درجات قرابت هر دو وارث مساوی است (زیرا هر دو با دو واسطه با میت متصل هستند) و وجه ترجیح با وارث هم وجود ندارد؛ زیرا هر دو توسط وارث (جده های صحیحه) با میت متصل هستند؛ اما به علت آن که جهات قرابت متفاوت است و اولی از جهت مادر و دومی از جهت پدر با میت متصل است، لذا (۱/۳) به قرابت مادری و (۲/۳) به قرابت پدری داده می‌شود.

۳.۳. قواعد توریث صنف سوم ذوی الأرحام

صنف سوم ذوی الأرحام که مشتمل بر اولاد خواهران، دختران برادران مطلق و اولاد برادران اخیافی می‌باشند، وقتی مستحق میراث شناخته می‌شوند که ذوی الأرحام صنف اول و صنف دوم در جمله

^{۴۱} عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۷/۶۹۴.

ورثه موجود نباشد، هرگاه یکی از آنها موجود باشد کل ترکه و اگر تعداد آنها بیش از یک نفر باشد در ترجیح یکی بر دیگری و تعیین شخص مستحق از غیر قواعد ذیل در نظر گرفته می شود: ^{۴۲}

۳.۳.۱. تقدیم به اعتبار قرب درجه

در صورت تعدد وارثین این صنف و تفاوت آنها در درجه انتساب به میت، شخصی که درجه انتساب او به میت نزدیک باشد از شخصی که در درجه بعید قرار دارد در استحقاق میراث ترجیح داده می شود. ^{۴۳}

اصل مسأله	۱
وارثین سهام	دختر خواهر تمام ترکه ۱
	پسر، دختر برادر محروم

درجه انتساب دختر خواهر به میت از درجه انتساب پسر دختر برادر نزدیکتر است؛ بنابراین، تمام ترکه را دختر خواهر به میراث می برد و پسر دختر برادر از میراث محروم می شود.

۳.۳.۲. تقدیم از لحاظ منسوبیت به ولد وارث بودن

در صورت تعدد وارثین این صنف و عدم موجودیت تفاوت در درجه انتساب آنها به میت ذوی الأرحام که توسط وارث به میت منسوب شده باشد، از ذوی الأرحام که توسط غیر وارث؛ یعنی ذی رحم به او منسوب گردیده است، در استحقاق میراث ترجیح دارد. ^{۴۴} مثلاً: اگر ورثه میت دختر پسر برادر اعیانی یا علاتی و پسر دختر خواهر اعیانی و یا علاتی باشد، تمام ترکه را دختر پسر برادر اعیانی به میراث می گیرد؛ زیرا او توسط پسر برادر که عصبه است، به میت منسوب گردیده و پسر دختر خواهر اعیانی از میراث محروم می گردد، به دلیل این که شخصی که توسط او به میت منسوب گردیده (دختر خواهر) از جمله ذوی الأرحام است. ^{۴۵}

اصل مسأله	۱

^{۴۲} الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ۱۰۸/۵؛ سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۳.

^{۴۳} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۵۸۰/۸.

^{۴۴} الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ۱۰۸/۵؛ عبد العزیز، احکام میراث از نگاه فقه و قانون، ۲۰۱.

^{۴۵} سراج الدین بن عبدالرشید سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۳.

وارثین	دختر ، پسر برادر عینی تمام ترکه	پسر ، دختر خواهر عینی
سهام	۱	۲

۳.۳.۳. در صورت تعدد وارثین این صنف و تساوی آنها در درجه انتساب طوری که تمام آنها اولاد عصبات باشند، چون دختر برادر اعیانی یا علاتی یا اولاد ذوی الفروض چون دختر خواهر علاتی و پسر برادر اخیافی و یا اولاد ذوی الأرحام چون دختر دختر برادر اعیانی و دختر دختر برادر علاتی و یا بعضی آنها اولاد ذوی الفروض و بعضی دیگر اولاد عصبه باشند، چون دختر برادر اعیانی و دختر برادر اخیافی. در این حالت نزد ابو یوسف رحمه الله قوت قرابت مورد اعتبار قرار می‌گیرد؛ یعنی اصل اعیانی بر علاتی و علاتی بر اخیافی ترجیح داده می‌شود. اما نزد امام محمد رحمه الله ترکه به اعتبار اصول شان تقسیم می‌گردد.^{۴۶} مثال:

اصل مسئله	۴ نزد ابو یوسف رحمه الله					
وارثین	خواهر عینی	برادر عینی	خواهر علی	برادر علی	خواهر عینی	برادر عینی
سهام	دختر	دختر	پسر دختر	دختر	دختر پسر	دختر
	همگی محروم (محجوب)					
				۲	۱	۱

حل مسأله مطابق با قول امام محمد رحمه الله

۱. نخست عدد فروع را در اصول در نظر می‌گیریم؛ یعنی هر سه خواهر (عینی، علاتی و اخیافی) به علت داشتن دو فرزند در بطن دوم، به‌عنوان دو نفر فرض می‌شوند و شکل مسأله در بطن اول به این صورت می‌شود:

بطن ۱- برادر عینی دو خواهر عینی برادر علی دو (خواهر علی) برادر خیفی دو (خواهر خیفی).

^{۴۶} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۶ / ۷۹۴.

۲. چون در اصول (برادر عینی) وجود دارد، لذا برطبق قواعد ترجیح در عصبات که در ذوی الارحم نیز اجراء می شود، (برادر علاتی و خواهر علاتی) محروم می شوند و به فروع (فرزندان آنها) نیز چیزی داده نمی شود.

۳. تقسیم ترکه را از ورث ذوی الفروض (اخیافی ها) آغاز می کنیم. (دو خواهر اخیافی و یک برادر اخیافی) مجموعاً سه نفر از اولاد مادری هستند و سهمیه فرضی آنها $(\frac{1}{3})$ ترکه است.

۴. چون یک کسر (تنها هفتمین $(\frac{1}{7})$) در مسأله وجود دارد، لذا اصل مسأله نیز (۳) ساخته می شود، یکی به (اخیافی ها) می رسد و دو سهم باقی مانده به (برادر عینی و خواهر عینی) داده می شود، به این صورت:

مسأله ۳

برادر عینی / خواهر عینی $(\frac{2}{7})$ / خواهر خیفی

برادر عینی / خواهر عینی $(\frac{2}{7})$ / خواهر خیفی

مجموعاً: ۱ سهم

مجموعاً: ۲ سهم

۵. مسأله نیازمند تصحیح است؛ زیرا یک سهم (اخیافی ها) را نمی توانیم، در میان سه نفر تقسیم کنیم و در میان سهام و رؤس تباین وجود دارد. پس خود عدد رؤس خیفی ها (عدد ۳) مضروب مسأله می شود و مسأله از (۹) تصحیح می گردد.

مسأله ۳ تصحیح ۹ مضروب: ۳

برادر اخیافی / خواهر اخیافی $(\frac{2}{7})$

برادر عینی / خواهر عینی $(\frac{2}{7})$

۳ سهم

۶ سهم

۶. اکنون سهام اصول را در میان فروع (در بطن دوم) تقسیم می کنیم. به این صورت: ^{۴۷}

مسأله ۳ تصحیح ۹ مضروب ۳

^{۴۷} دامنی، میراث به زبان ساده با حل کلیه مسائل کتاب سراجی، ۲ / ۱۴۴-۱۴۲.

بطن ۱: برادر عینی	(۲) خواهر عینی	برادر خیفی	(۲) خواهر خیفی
۳	۳	۱	۲
دختر	پسر دختر	دختر	پسر دختر
۳	۲ ۱	۱	۱ ۱

۷. در صورت تعدد ذوی الأرحام این صنف و تساوی آن‌ها در درجه قرابت انتساب به میت و قوت قرابت تمام آن‌ها مشترکاً مستحق میراث شناخته می‌شوند و از ابو یوسف در این مورد دو قول است؛ در قول اول اخیافی‌ها؛ مانند اصول شان به شکل مساوی میراث می‌گیرند و در قول دوم مانند عینی‌ها و علاتی‌ها به اساس قاعده «للذکر مثل حظ الانثیین» سهم می‌برند.^{۴۸}

اصل مسأله	مسأله ۳	(عند ابی یوسف)
وارثین	دختر، پسر برادر اخیافی	پسر، دختر خواهر اخیافی
سهم	۱	۲

۴.۳. قواعد توریث صنف چهارم ذوی الأرحام

این صنف ذوی الأرحام وقتی مستحق میراث شناخته شوند و در ورثه یکی از آن‌ها موجود باشند کل ترکه را به میراث می‌گیرد و در صورتی که وارثین این طایفه متعدد باشند، در استحقاق میراث قواعد آتی اجراء می‌شود:

۱. در صورت تعدد وارثین این صنف و اتحاد جهت قرابت؛ یعنی تمام آن‌ها از جهت پدر باشند (یا) از جهت مادر، در این حالت ترجیح یکی بر دیگری به اساس قوت قرابت صورت می‌گیرد؛ یعنی اصل عینی بر علاتی و علاتی بر اخیافی ترجیح دارد.^{۴۹} مثلاً: شخصی وفات کرد و وارث او عمه اعیانی و عمه علاتی یا عمه اخیافی باشند. در این مثال عمه اعیانی به اساس قوت قرابت بر عمه علاتی و اخیافی در استحقاق میراث قدامت داشته و تمام ترکه را به میراث گرفته و عمه علاتی و اخیافی از میراث محروم می‌شود.

اصل مسأله	۱
-----------	---

^{۴۸} الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ۱۰۹/۵.

^{۴۹} سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۵.

عمه عیانی	عمه علاتی	عمه عینی	وارثین
محروم	محروم	۱	سهام

۲. در صورت تعدد وارثین این صنف، اتحاد جهت و تساوی آن‌ها در قوت قرابت، تمام آن‌ها مستحق میراث بوده و برای مذکر دو چند مؤنث میراث داده می‌شود.^{۵۰} مثلاً: شخصی وفات نمود و وارث او خاله علاتی و مامای علاتی باشد، در این مثال چون هر دو نفر در قوت قرابت با هم مساوی می‌باشند مستحق میراث دانسته می‌شوند و از این‌که یکی مؤنث و دیگری مذکر می‌باشد، برای مذکر دو چند مؤنث از ترکه میت میراث داده می‌شود.

اصل مسأله	۳
وارثین	خاله علاتی
سهام	۱
	مامای علاتی
	۲

۳. در صورت تعدد وارثین این صنف و اختلاف جهت قرابت؛ یعنی برخی از جهت پدر و برخی از جهت مادر به میت ارتباط داشته باشد، در این حالت بدون در نظر داشت قوت قرابت برای جهت قرابت پدر دو ثلث (۲/۳) ترکه و برای جهت قرابت مادری ثلث (۱/۳) ترکه داده می‌شود، آن‌را هر جهت و فریق بین افراد خود در صورت تعدد و عدم اتحاد در صفت ذکور و انوثنه طوری تقسیم می‌نمایند که دو حصه آن را مذکر و یک حصه آن را مؤنث مستحق می‌شود و هم‌چنان قوت قرابت نیز در میان آن‌ها رعایت می‌گردد.^{۵۱} مثلاً: شخصی وفات کرد و ورثه او عمه مادری و خاله عینی می‌باشد. در این مثال برای عمه از جهت قرابت از جانب پدر دو ثلث ترکه و برای خاله عینی به جهت قرابت از جانب مادر یک ثلث ترکه داده می‌شود؛ زیرا عمه‌ها از جانب پدر و خاله‌ها از جانب مادر با میت قرابت دارند.

اصل مسأله	۳
وارثین	عمه مادری
سهام	۱
	خاله عینی
	۱

۴. شخصی وفات کرد و ورثه او عمه عینی، عمه علاتی، خاله عینی و خاله علاتی باشد؛ در این مثال ترکه سه حصه گردیده دو ثلث (۲/۳) آن برای اقارب جهت پدری (عمه عینی و عمه

^{۵۰} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۷۹۵/۶.

^{۵۱} الموصلی، الاختیار لتعلیل المختار، ۱۰۹/۵.

علاتی) و ثلث (۱/۳) آن برای اقارب جهت مادری (خاله عینی و خاله علاتی) داده می‌شود و از این‌که عمه عینی به اساس قوت قرابت از عمه علاتی در استحقاق میراث مقدم است دو ثلث حق جهت اقارب پدری را به تنهایی مستحق گردیده و عمه علاتی از میراث محروم می‌گردد و ثلث (۱/۳) آن برای اقارب جهت مادری (خاله عینی و خاله پدری) داده می‌شود و خاله حقیقی به علت این‌که قوت قرابت بیشتری دارد، خاله پدری را محجوب می‌کند.^{۵۲}

۳		اصل مسأله
$\frac{\text{خاله عینی}}{۱}$	$\frac{\text{عمه علاتی}}{۲}$	وارثین
$\frac{\text{خاله علاتی}}{۲}$	$\frac{\text{عمه عینی}}{۲}$	سهم

۵.۳. قواعد توریث اولاد صنف چهارم

ذوی الأرحام این طایفه وقتی مستحق میراث شناخته شوند، در صورتی که یک نفر از آن‌ها موجود باشد کل ترکه؛ یا باقی مانده بعد از سهم یکی از زوجین را به میراث می‌گیرد.^{۵۳} اگر تعداد آن‌ها بیش از یک نفر باشد، در ترجیح یکی بر دیگری و تعیین شخص مستحق مراتب ذیل قابل مراعات می‌باشد:

۱. تقدیم به اعتبار قرب درجه، در صورت تعدد وارثین این طایفه و تفاوت آن‌ها در درجه انتساب به میت، شخصی که درجه انتساب او به میت نزدیک باشد، نسبت به شخصی که درجه انتساب او به میت دور است مستحق ارث می‌شود. مثال: اگر ورثه دختر خاله و پسر دختر کاکا باشد، تمام ترکه را دختر خاله به میراث گرفته و پسر دختر کاکا از میراث محروم می‌شود؛ زیرا درجه انتساب دختر خاله به میت از درجه انتساب پسر دختر کاکا به او نزدیکتر است.^{۵۴}

۱		اصل مسأله
پسر دختر کاکا	دختر خاله	وارثین
محروم	تمام ترکه	سهم
.....	۱	

۲. در صورت تعدد وارثین این طایفه، اتحاد جهت و عدم موجودیت تفاوت در درجه انتساب آن‌ها به میت، در این حالت قوت قرابت مدار اعتبار قرار داده می‌شود؛ یعنی اصل عینی بر علاتی

^{۵۲} دامنی، میراث به زبان ساده با حل کلیه مسائل کتاب سراجی، ۱۵۱/۲؛ سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۶.

^{۵۳} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۵۸۱/۸.

^{۵۴} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۷۹۵/۶.

و علاتی بر اخیافی ترجیح داده می‌شود. مثلاً: اگر ورثه میت دختر کاکای اعیانی و دختر کاکای علاتی باشد، دختر کاکای اعیانی به اساس قوت قرابت مستحق میراث بوده و دختر کاکای علاتی از میراث محروم می‌گردد و اگر در قوت قرابت مساوی بودند؛ یعنی اصل تمام آنان عینی و یا علاتی بود تمام آن‌ها مشترکاً مستحق میراث شناخته و مذکر دو چند مؤنث از ترکه میت میراث اخذ می‌دارد.^{۵۵}

اصل مسأله	۱
وارثین سهام	دختر کاکای اعیانی تمام ترکه ۱ دختر کاکای علاتی محروم

در صورت تعدد وارثین این طایفه، اتحاد جهت، عدم موجودیت تفاوت در درجه انتساب آن‌ها به میت و تساوی قوت قرابت، در این حالت ذوی الأرحام که توسط عصبه به میت منسوب می‌شود، از ذوی الأرحام که توسط غیر وارث (ذی رحم) به او منسوب می‌گردند، ارث می‌برد. مثلاً: اگر ورثه دختر کاکای اعیانی و دختر عمه عینی باشد، تمام ترکه را دختر کاکای عینی به میراث می‌گیرد؛ زیرا او توسط کاکا که عصبه است به میت منسوب گردیده است و دختر عمه عینی از میراث محروم می‌گردد، به دلیل این که شخصی که توسط او به میت منسوب گردیده (عمه عینی) از جمله ذوی الأرحام است.^{۵۶}

اصل مسأله	۱
وارثین سهام	دختر کاکای عینی تمام ترکه ۱ دختر عمه عینی محروم

۳. اگر وارثین در جهت مختلف قرابت قرار داشتند طوری که بعضی از جهت قرابت پدری و برخی دیگر از جهت قرابت مادری با میت قرابت داشتند، در این حالت برای جهت قرابت پدری دو ثلث (۲/۳) ترکه و برای جهت قرابت مادری ثلث (۱/۳) ترکه داده می‌شود و آنرا هر جهت و فریق بین افراد خود در صورت تعدد و عدم اتحاد در صفت ذکور و انوثن طوری تقسیم می‌نمایند که دو حصه آنرا مذکر و یک حصه آنرا مؤنث مستحق می‌گردد. هم‌چنان قوت قرابت

^{۵۵} سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۷.

^{۵۶} ابن نجیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۵۸۱/۸.

نیز رعایت می‌گردد.^{۵۷} مثلاً: شخصی وفات کرد و وارث او دختر عمه عینی، پسر عمه علائی، دختر خاله علائی و پسر مامای اخیافی می‌باشد. در این مثال برای جهت اقارب پدری (دختر عمه عینی و پسر عمه علائی) دو ثلث ترکه و برای جهت اقارب مادری (دختر خاله علائی و پسر مامای اخیافی) ثلث ترکه داده شده و دو ثلث حق جهت پدری را دختر عمه عینی و ثلث حق جهت مادری را دختر خاله علائی مستحق می‌گردند و پسر عمه علائی به وجود دختر عمه عینی و پسر مامای اخیافی به وجود دختر خاله علائی از میراث محروم می‌شوند.^{۵۸}

اصل مسأله	۳	
وارثین سهم	دختر عمه عینی ۲	دختر خاله علائی ۱ پسر مامای اخیافی محروم

۴. در صورت تساوی درجه وارثین و اختلاف اصول شان در ذکورت و انوئت، و تعدد بطون (فاصله میان وارثین زنده با میت زیاد بوده و چند نسل فاصله دارند) در این حالت نزد امام محمد رحمه الله حکم این است: از اولین بطن که اختلاف در ذکورت و انوئت شروع می‌شود تقسیم را آغاز کرده و تا رسیدن به فرع زنده ادامه داده می‌شود؛ اما ابو یوسف رحمه الله اختلاف در اصول را اعتبار نداده ترکه را در میان خود فروع زنده با در نظر داشت صفت در ذکورت و انوئت تقسیم می‌کند.^{۵۹} مثلاً: شخصی وفات کرد و وارث او دختر پسر عمه و پسر دختر عمه باشد در این حالت به اساس قاعده بیان شده برای دختر پسر عمه دو سهم و پسر دختر عمه یک سهم داده می‌شود؛ زیرا از بطن دوم اختلاف شروع شده و هر یک وارثین زنده سهم بطن فوق را اخذ می‌کنند. نزد ابو یوسف قضیه بر عکس تقسیم می‌شود.

اصل مسأله	۳ نزد امام محمد	۳ نزد امام ابویوسف
-----------	-----------------	--------------------

^{۵۷} ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ۶/۷۹۵.

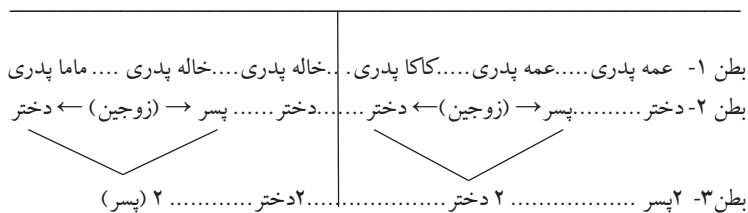
^{۵۸} سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۸.

^{۵۹} سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۸.

عمه	عمه	عمه	عمه	وارثین بطن ۱
دختر	پسر	دختر	پسر	وارثین بطن ۲
پسر	دختر	پسر	دختر	وارثین بطن ۳
۲	۱	۱	۲	سهام

۵. هر گاه فروع متعدد باشد با در نظر داشت قاعده پنجم نزد امام محمد رحمه الله تعدد فروع و جهات قرابت را در اصول مد نظر گرفته و از همان بطن که اختلاف در صفت ذکورت و انوشت شروع می شود تقسیم آغاز الی وارث زنده ادامه داده می شود؛ اما ابو یوسف رحمه الله در یک روایت تعدد و جهات را صرفاً در بطن آخر مدار اعتبار دانسته تقسیم می نماید و در روایت غیر مشهور تعدد جهات مورد اعتبار قرار نگرفته است.^{۶۰}

صورت مسأله: شخصی فوت کرده و وراثت او هشت نفر (چهار پسر و چهار دختر) از اولاد صنف چهارم ذوی الارحام می باشند. که دو نسل از میت اولیه فاصله گرفته اند. ترکه او به صورت زیر تقسیم می شود. البته نخست به شکل صورت مسأله مذکور توجه کنید!



توضیحات نقشه صورت مسأله

۱. در بطن اول، سه وارث پدری وجود دارد که عبارتند از: (دو عمه و یک کاکا) و در قسمت دیگر نیز سه وارث مادری وجود دارد که عبارتند از: (دو خاله و یک ماما).
۲. در بطن دوم، پسر عمه و دختر کاکا با یکدیگر ازدواج کرده و ثمره ای این ازدواج دو دختر دو قرابت است.
۳. هم چنین در بطن دوم، این مسأله پسر خاله و دختر ماما نیز با یکدیگر ازدواج کرده اند و ثمره ازدواج آن ها دو پسر دو قرابت می باشد.

^{۶۰} بن نجیم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ۵۸۲/۸.

روش حل مسأله طبق قول ابو یوسف رحمه الله

۱. ابو یوسف رحمه الله فقط ترکه را در میان وراثت زنده (بطن سوم) تقسیم می کند، وی طبق قاعده خویش «تعدد جهات قرابت را در میان خود فروع در نظر می گیرد. مثلاً: (دو دختر) دو قرابت در بطن سوم، به جای (چهار دختر) و (دو پسر) دو قرابت در بطن سوم، به جای (چهار پسر) در نظر گرفته می شوند به شکل ذیل:

بطن ۳ - ۲ پسر ۴ دختر ۲ دختر ۴ پسر

۲. اکنون به وراثت قرابت پدری (۳) ترکه به وراثت قرابت مادری (۱) ترکه در نظر گرفته می شود:

وراثت قرابت پدری (۳)		وراثت قرابت مادری (۱)	
۲ پسر	۴ دختر	۲ دختر	۴ پسر

۳. در قسمت قرابت پدری: با فرض کردن (۴ دختر) به عنوان (دو پسر)، گویا در این قسمت (چهار پسر داریم) که سهمیه همگی (۲) است.

۴. در قسمت قرابت مادری: با فرض کردن دو پسر به عنوان (یک پسر)، گویا در این قسمت (پنج پسر) داریم که سهم همگی آنها (۱) است به این صورت:

قرابت پدری	
(۴)	(۵)
۲ سهم	۱ سهم

۶. در هر دو قسمت (قرابت پدری و مادری) مسأله نیازمند تصحیح است: زیرا دو سهم در میان (چهار پسر) و یک سهم در میان (پنج پسر) بدون کسر قابل تقسیم نمی باشد.

۷. در قرابت پدری در میان (۲ و ۴) تداخل وجود دارد که وفق عدد رؤس (۴) که دو است، انتخاب می شود؛ زیرا: $4 \div 2 = 2$

۸. در قرابت مادری در میان (۱ و ۵) تباین وجود دارد که خود عدد رؤس (۵) انتخاب می شود.





۹. در میان اعداد رؤس و رؤس، یعنی (۲ و ۵) مخرج مشترک می گیریم و چون تباین وجود دارد، آنها را در هم ضرب می کنیم و حاصل ضرب (یعنی عدد ۱۰) مضروب مسأله می شود.

و این مسأله از (۳۰) تصحیح می گردد. یعنی: $10 \times 3 = 30$

اکنون مسأله به این صورت می شود:

مضروب ۱۰	(عند ابی یوسف)	مسأله ۳ تصحیح ۳۰
قربت مادری		قربت پدری
۱۰ سهم		۲۰ سهم

۱۰. سپس سهام مذکور را به این صورت در میان ورثه این میت که در بطن سوم قرار دارند، چنین تقسیم می کنیم:

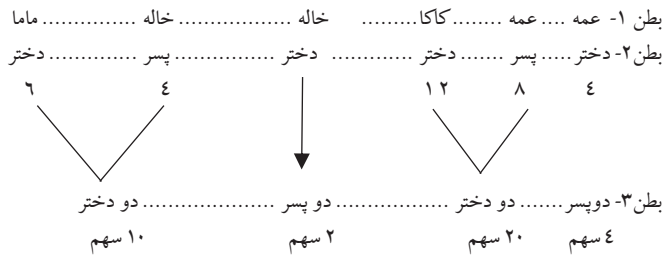
قربت مادری ۱۰		قربت پدری ۲۰	
دو پسر دو قرابته	دو دختر	دو دختر دو قرابته	دو پسر
			
۴ ۴	۱ ۱	۵ ۵	۵ ۵

نکته

۱. در قربت پدری: دو دختر دو قرابته به منزله چهار دختر فرض شدند و به همین جهت مانند دو پسر (۱۰) سهم گرفتند.
 ۲. در قربت مادری: دو پسر دو قرابته به منزله چهار (پسر) فرض شدند و به همین جهت مانند هشت دختر (۸ سهم) گرفتند.
- نزد امام محمد رحمه الله با در نظر داشت قاعدای که در فوق ذکر شد مسأله را چنین حل می نماید که توضیحات و جزئیات آن از تحمل مقاله خارج است صرفاً نتیجه آنرا بسنده می دانیم.^{۱۱}

مسأله ۳ / تصحیح اول ۱۲ / تصحیح دوم ۳۶ مضروب اول: ۴ / مضروب دوم: ۳

^{۱۱} سجاوندی، السراجی فی المیراث، ۴۷-۴۸؛ دامنی، میراث به زبان ساده با حل کلیه مسائل کتاب سراجی، ۱۶۲/۲-۱۶۴.



خلاصه حلّ مسأله:

۱. برای دو پسر دختر عمه (۴ سهم) از طرف مادرش رسید.
۲. برای دو دختر (پسر عمه) از طرف پدر ۸ سهم و از طرف مادر ۱۲ سهم که جمعاً (۲۰ سهم) می‌شوند؛ رسید.
۳. برای دو دختر (دختر خاله) ۲ سهم از طرف مادرش رسید.
۴. برای دو پسر (پسر خاله ابن) ۴ سهم از طرف پدر و ۶ سهم از طرف مادرش یعنی مجموعاً (۱۰ سهم) رسید.

$$۱۲ + ۸ + ۴ = ۲۴ \text{ مجموع سهام قرابت پدری}$$

$$۶ + ۴ + ۲ = ۱۲ \text{ مجموع سهام قرابت مادری}$$

$$۲۴ + ۱۲ = ۳۶ \text{ مجموع سهام ورثه که با کلّ تصحیح مساوی است.}$$

نتیجه گیری

از مطالب ارائه شده فوق به این نتیجه رسیدم، ذوی الأرحام عبارت از خویشاوندانی هستند که از طریق فرض مقدر کتاب الله، سنت رسول الله و اجماع امت مستحق ارث نشده و از طریق عصوبت نیز ارث نمی‌برند؛ بلکه در صورت عدم موجودیت آنها مستحق می‌شوند.

از نظر فقهای احناف ذوی الأرحام شامل چهار صنف هستند؛ صنف اول، اولاد دختران صلبی و دختران پسر صنف دوم، پدرکلان و مادر کلان‌های ساقطه صنف سوم، اولاد خواهران، اولاد برادر اخیافی و دختران برادران عینی و علاتی و صنف چهارم، عمه‌ها، خاله‌ها، ماماها و کاکای اخیافی و اولادشان.

برای میراث ذوی الأرحام سه طریقه وجود دارد، طریقه اهل رحم که همه را شامل میراث می‌داند بدون کدام قید و شرط، طریقه دوم اهل تنزیل است که با در نظرداشت حالت اصول شان آنها را مستحق ارث می‌دانند، و طریقه سوم اهل قرابت است، که در قسمت توزیع ترکه متکی به درجه و قوت قرابت است مانند: احکام عصبات و این روشی است که مذهب احناف از آن پیروی نموده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ترجمه قرآن کریم. مترجم. بهاء الدین خرمشاهی. ۱۴۰۲ هـ.ق. <https://www.Emadionline.com>
۲. ابن نجیم، زین الدین. البحر الرائق شرح كنز الدقائق. جلد ۶. بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۳. ابن عابدین، محمد امین بن عمر. رد المحتار على الدر المختار. جلد ۴. بیروت: دارالفکر. ۱۹۹۲ م.
۴. سعدی، ابو حبيب. القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً. سوریه: دارالفکر، ۱۹۸۸ م.
۵. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. المعنى. جلد ۶. القاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۹۸۶ م.
۶. ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا. معجم مقاييس اللغة. المحقق. عبد السلام محمد هارون. بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ هـ.ش.
۷. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر. شرح التلويح على التوضيح. مصر: مكتبة صبيح، بی تا.
۸. ترمذی، محمد بن عيسى. سنن الترمذی. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۷۵ م.
۹. جرجانی، علی بن محمد بن علی. کتاب التعريفات. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۳ م.
۱۰. جوزجانی، سعید بن منصور. سنن سعید بن منصور. دهلی: دار السلفیة، ۱۹۸۲ م.
۱۱. دسوقی، محمد بن أحمد. الشرح الكبير للشيخ أحمد الدردير على مختصر خليل. جلد ۲. بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۲. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن. سنن الدارمی. جلد ۴. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۳. دامنی، عبدالناصر. میراث به زبان ساده با حل کلیه مسائل کتاب سراجی. جلد ۲. تهران: احسان، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۱۴. رملی، شمس الدین محمد بن أبی العباس. نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج. بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ هـ.ق / ۱۹۸۴ م.
۱۵. زحیلی، وهبة بن مصطفى. الفقه الإسلامي وأدلته. جلد ۱۰. دمشق: دارالفکر. بی تا.
۱۶. سرخسی، محمد بن أحمد. المبسوط. جلد ۱۱. بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۷. سجاوندی، سراج الدین بن عبدالرشید. السراجی فی الميراث. کویت: مكتبة قاسمیه، ۱۳۵۳ هـ.ش.
۱۸. عزیز، عبدالعزيز. احكام ميراث از نگاه فقه و قانون. کابل: انتشارات سعید. ۱۳۹۰ هـ.ش.
۱۹. فیروز آبادی، مجدّد الدین. القاموس المحيط. جلد ۱. القاهرة: مطبعة المصرية، ۱۹۳۳ م.
۲۰. لاجم، عبد الکریم بن محمد. علم فرائض. مترجم. رحمت الله منطقی. بی جا، بی تا.

۲۱. مقدسی، عبد الرحمن بن محمد. الشرح الكبير على متن المقنع. جلد ۷. بیروت: دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع، بی تا.
۲۲. موصلی، عبد الله بن محمود. الاختیار لتعلیل المختار. جلد ۳. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۵۶ هـ.ق.
۲۳. معین، محمد. فرهنگ معین. جلد ۲-۴. تهران: کیهان. ۱۳۸۱ هـ.ش.
۲۴. ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد. الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزنی. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۷ م.
۲۵. نذیر، داد محمد. حقوق میراث در شریعت اسلامی و قانون مدنی افغانستان. کابل: حامد رسالت. ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲۶. وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة. الموسوعة الفقهیة الكويتیة. ۳-۳۸. کویت: دار السلاسل. ۱۴۰۴ هـ.ق.